

تصحیح لباب الالباب

و کلمه تلوینا

چند روز پیش تجدید عهدی را که بمحضر منور استاد معظم ابوالفضائل نصیری امینی - لازال صدرأ لله فاضل - داشتم تصمیم عزم داده مشرف شدم یکی از دانشوران آن مجلس - که بقول مطلق - مرجع فضلاء عهد و مآب ارباب معارف عصر است وارد شد در طی مقالات در مقام کشف معنی کلمه (تلوینا) بر آمد که آیا چه لفظی است و مراد از آن چیست و در کدام کتاب ترجمه آن را باید یافت پرسیدند این کلمه در کجا بنظر رسیده و چگونه استعمال شده گفت در جلد دوم تذکره عوفی چاپ لیدن در صفحه شش از قول شهید بلخی این قطعه در مدح رودکی مندرج است :

بسخن مانند شعر شعرا رودکی را سخنش تلویناست
شاعران راخه واحسنت مدیح رودکی راخه واحسنت هجاست

فرمودند این لفظ مرکبست از دو کلمه (تلو) چنانکه میگویند فلانی تالی تلو مدرس است و (نبی) که بضم نون و یاء مجهول در اصطلاح گبر کسی بقرآن گفته میشود ، از شعر هائے ادیب صابر است :

بسوره سوره نورات و سطر سطر زبور بایه آیه انجیل و حرف حرف نبی
و کلمه هجا که در بیت ثانی این قطعه شهید است الف آنرا که
مماله است بیا باید نوشت و خواند از این نوع سهویات در طبع آن تذکره
بسیار واقع شده چنانکه در آخر ترجمه خانانی شعر مجیر را آورده و
ترجمه مجیر از آن سقط شده است . فرمودند من وقتی قطعه شهید را دیدم
در حاشیه نوشتم

از نبی به‌ره‌جهال زمان
ورنه در باره آن چنگی کور
می‌نگفتی بجزارت شاعر
و نیز در نسخه دیگر نوشتم

چو از قرآن نصیبت نیست جز نقش
فسون دیو غرق در طبیعت
فرومی افکند او در تک و یل
فلان شعرت نماید تلو قرآن
کجا و حضرت فرقان یزدان
فرازنده است این تاعرش رحمان

﴿ انتہی ﴾

چون این فایده را نفیس شمردم خواستم بواسطه آن مجله محترمه که
فوائد ادبی بخوانند گمان آرد غمان میبرد تعمیم پیدا کند
قصه گرمی و خورشید همانا المبیح باشد بشعر حکیم سنائی که میفرماید
عجب بود گراز قرآن نصیبت نیست جز نقشی که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نابینا

خان ملک

طهران اول دی ماه ۱۳۰۸

